

مدرنیته و بنیادگرایی

جان ای. هال *

ترجمه نرگس زحمتی

- Fundamentalism, Sectarianism and Revolution: The Jacobin Dimensions of Modernity
- S.N. Eisenstadt & Jeffrey C. Alexander
- Cambridge University Press
- 1999, 280 pp.

جهانی به این فرایندها با شیوه‌هایی خلاقانه پاسخ می‌دهند، به نحوی که فرهنگ‌هایی به مراتب جدیدتر و به مراتب پیچیده‌تر و التقاطی‌تر خلق می‌کنند. در اینجا دیدگاه‌های او، همان طور که می‌توان در دو شماره اخیر ددالوس (Deadalus) که به این موضوع اختصاص داده شده‌اند دید، بسیار نافذ بوده و هنوز هم هستند.

از توضیحات دقیق ارائه شده در خصوص بنیادگرایی‌های یهودی و درباره ژاپن - که فقدان بنیادگرایی در این کشور را به فقدان یک تمدن عصرمحموری مسلط در آن نسبت می‌دهند - چیزهای زیادی باید آموخت. سوای این موضوع، بحث - شاید به ضرورت - در سطحی نسبتاً انتزاعی طرح شده است. اما این به معنای آن نیست که این‌نشتاد به ایده‌آلیسمی پناه می‌برد که در آن الگوهای تحول اجتماعی را محتوای اصول اخلاقی متنوع تعیین می‌کند.

کاملاً برعکس، او یک وبری کامل است که از شرایط ساختاری به اندازه استدلال عقلانی آگاه است. با این حال مواردی هست که می‌توان با آنها موافق نبود. هر چند او از شیوه‌ای که ناسیونالیسم می‌تواند خودش را به نیروهای مختلف پیوند زند به خوبی

هر چند فرایندهای اجتماعی مدرن وجود دارند، اما سنت‌های متنوع جهانی به این فرایندها با شیوه‌هایی خلاقانه پاسخ می‌دهند، به نحوی که فرهنگ‌هایی به مراتب جدیدتر و به مراتب پیچیده‌تر و التقاطی‌تر خلق می‌کنند

آگاه است، اما گزارش او بر ماهیت واپس‌گرایانه آن برتری دارد. ممکن است این گفته اغراق‌آمیز باشد که ناسیونالیسم بیشتر از مناطق پیشرفته امپراطوری‌هایی برمی‌خیزد که به جای اینکه بخواهند از مدرنیته فرار کنند، از آن استقبال می‌کنند. به عبارتی صادقانه‌تر، به نظر من قرائت همیشگی او تا اندازه‌ای او را نسبت به برخی از ادعاهای اخیر نظریه اجتماعی، غیرانتقادی ساخته است. ابراز انزجار نسبت به عقلانیت غربی و بسیاری از هیاهوهای پیرامون «چند فرهنگ‌گرایی» معرف واکنش‌هایی نخبه‌گرایانه و نه عامه‌گرایانه است و این نکته نشان می‌دهد که ممکن است مدرنیته اصلاً کمتر از آنچه او تصور می‌کرد، چندان باشد. سرانجام باید همیشه به خاطر بسپاریم که مدرنیته فقط این مفهوم است که ارزیابی عاملیت باید به آن چیزی بازگردد که شبیه آن روزهای پرواز در ارتفاع پایین است. مسئله مطرح در جهان معاصر قدرت فوق‌العاده ایالات متحده است که اخیراً با چنان تأثیری به کار گرفته می‌شود تا کاملاً این اطمینان را ایجاد کند که هیچ تمدن دیگری در حال حاضر - مسلماً نه اتحاد شوروی و نه اتحادیه اروپا و یا ژاپن - نمی‌تواند در مقابل آن عرض اندام کند.

پی‌نوشت:

* John A. Hall, McGill University

تردیدی نیست که این‌نشتاد جامعه‌شناسی بزرگ است. این شاگرد بزرگ پارسونز (و در عین حال، پژوهنده امپراطوریه‌ها، انقلاب‌ها، جامعه اسرائیل و نیز مدرنیزاسیون) طی دو دهه گذشته، ما را مدیون تمرکز خود بر «عصر محوری» تولد مذاهب جهانی ساخته است. کاری که در نتیجه او را به مفسر اصلی جامعه‌شناسی تطبیقی و بر تبدیل می‌کند. اگر نقدی بر کارهای اولیه او وارد باشد، این نقد بر قرائت کاملاً حریصانه اوست که هرازگاهی به اظهارات ثقیل منجر می‌شود. بنابراین استقبال از این کتاب جدید او که روان، فوق‌العاده جامع و بسیار قوی است، فوق‌العاده لذت بخش است. تأملات یک عمر زندگی در یک جلد فشرده شده‌اند و هیچ جامعه‌شناسی نباید نتایج آن را نادیده بگیرد.

در این کتاب، یک استدلال کلی ارائه می‌شود. این‌نشتاد نظر وبری - و محققان بعدی را - در تأکید بر اینکه همه مذاهب و اخلاق جهانی اخلاق عام پروتستانی را توسعه داده‌اند، دنبال می‌کند، یعنی تمایزهایی روشنفکران آنان را وادار کرده که برنامه‌های اصلاحی متنوعی ارائه کنند. تفاوت‌های میان چنین برنامه‌هایی به گونه‌ای قانع کننده روشن (و تا حدودی تبیین) شده‌اند و اعتبار شایسته‌ای به آن ویژگی‌های سنت غربی داده شده است که پژوهش معرفتی و تجربی نیوتونی را ترغیب کرد. با این حال، تغییری وسیع در تاریخ جهان در شرف وقوع است آن هم زمانی که جنبش‌های اجتماعی و بنیادگرایی پروتستانی با تلاش برای شکل‌دهی و مدل‌دهی تمام جوامع از طریق انقلاب، دوباره در مدرنیته جامی‌گیرند. این‌نشتاد معتقد است برنامه سیاسی ژاکوبینی مدرنیته را نمی‌توان بدون ارجاع به تنش‌های درون تمدن‌های عصر محوری (axial age) فهمید، با این حال تأکید بر بسج عمومی و باور به امکان تحقق کامل نظمی جدید، کاملاً تازه‌اند. در یک کلمه، آنچه فرقه‌گرایی بود، به جریان غالب تبدیل شده است.

با در نظر گرفتن این موضوع، این‌نشتاد به بنیادگرایی مدرن رو می‌آورد. آنچه او در این جا در نظر دارد ترکیبی است از اندیشه تمامیت‌خواه و بسج عمومی به همراه میل به حفظ فرهنگ‌ها به جای پیوستن به موج خروشان عقلانیت‌گرایی و لیبرالیسم غربی. او تمایزات جالبی را میان جنبش‌های ملی - اجتماعی و بنیادگرا قائل می‌شود، خصوصاً با یادآوری این نکته که جنبش‌های ملی ما اجتماعی فاقد جاذبه جهانی جنبش‌های بنیادگرا هستند؛ او نظرات قدرتمندی را درباره کمونیسم و فاشیسم ارائه می‌کند. اما آن گونه که در خور یکی از اعضای کلیدی پروژه اخیر بنیادگرایی آکادمی امریکا به رهبری مارتین مارتی (Martin Marty) است، توجه عمده او معطوف به تنوع بنیادگرایی در جهان معاصر است. این‌نشتاد توضیحاتی را در خصوص فقدان نسبی بنیادگرایی در اروپا و حضور آن در ایالات متحده ارائه می‌کند و تلاش قابل ملاحظه‌ای دارد تا الگوهای متنوع اعتراض در آسیا را - از هند و کره تا مالزی و ژاپن - از یکدیگر متمایز کند. کتاب با تأملاتی درباره سرشت مدرنیته پایان می‌یابد. او برخلاف دیدگاه‌های سابقش، به این باور می‌رسد که مدرنیته نه یکپارچه بلکه چندگانه است. هر چند فرایندهای اجتماعی مدرن وجود دارند، اما سنت‌های متنوع